

۱۴۲۳۵۸۸

سفرنامه عقبات عالیات

از میرزا علی حسین «نظام الذاکرین» زنجان

بکوشش: علی اصغراوردی



سرشناسه: سنقری، میرزا علی حسین (۱۲۶۹-۱۳۰۴) خورشیدی

عنوان: سفرنامه عتبات عالیات

نام پدیدآور: میرزا علی حسین سنقری (نظام الذاکرین)

مشخصات نشر: تهران انتشارات ابر و باد

موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- خاطرات

موضوع: سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۴

موضوع: عراق -- سیر و سیاحت -- قرن ۲۰ م

شناسه افزوده: ایزدی، علی اصغر، ۱۳۳۲ - گردآورنده

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۷۱-۳-۷

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ س۷/س۹/۶۵/۷۰ DS

رده بندی دیوبند: ۹۱۵/۶۷۵۰۴۴۰

کتابشناسی ملی ایران: ۶۲۹۴۲۱۶



ناشر: انتشارات ابر و باد - همکاری آلمان رشد

عنوان: سفرنامه عتبات عالیات

گردآورنده و مصحح: علی اصغر ایزدی

گرافیک: بهمن سرداری

طرح روی جلد: شهاب

نوبت چاپ: اول

سال: ۱۳۹۵

چاپخانه و صحافی: افق بی‌پایان

قیمت: ۹۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۷۱-۳-۷

izadi32@gmail.com

نشانی پخش: تهران، م انقلاب بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، طبقه ۱۰

تلفن: ۶۶۴۸۶۰۱۳

به نام شاهان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
«فردوسی»

پیش گفتار

سپاس و ستایش خدام بزرگ را که این بار توفیق تصحیح و چاپ کتابی را به من ارزانی داشت به برنامه گروهی از شهروندان محلات مختلف سنقر به عتبات عالیات است.

نزدیک به یک قرن پیش گروهی از شهروندان محلات مختلف سنقر، در آن روزگاری که چاووش، کوچه به کوچه و محله به محله با پرچمی سبز در دست می چرخید و فریاد می زد: «حرک، دارد هوس کربلا بسم الله»، از محلات مختلف شهر، دل خود را رسی دیا، بار می کنند و همراه چاووشی از همین دیار که خود از وقایع و مداحان این شهر است به راه می افتند تا به زیارت مولا و مقتدای خود بروند. این گروه از محلات چهار بلاغی، سرچقا و محله پیره، به کاروان داری میرزا علی حسین سنقری معروف به نظام‌الذاکرین پیاده و سواره به راه می افتند و منزل به منزل طی می کنند تا به کشور عربستان آن

روز و عراق کنونی می‌رسند و به زیارت مولا و مقتدایشان می‌روند. نوشتن سفرنامه، آن هم در یک قرن پیش، به وسیله یکی از افراد این شهر، از این نظر ارزش دارد که اکثریت قریب به اتفاق اهالی این شهر بی‌سواد هستند و خواندن و نوشتن نمی‌دانند و از نوشتن مسایل و مطالب روزمره خود، حتی از خواندن یک نامه عاجزند تا چه رسد به اینکه سفرنامه بنویسند. پس مشخص است که نویسنده علاوه بر اینکه به نوشتن مرسوم آن زمان احاطه دارد، بلکه سفرنامه‌نویسی را می‌شناسد و به ارزش آن آگاهی دارد.

در شهر ابرار سفرنامه‌های متعددی نوشته شده است که معروفترین آن با قلم واثای ناصر خسرو قبادیانی در قرن پنجم نوشته شده که ارزش‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، و... فراوانی دارد. سفرنامه پادشاهان قاجار و مستشرقینی که به ایران آمده‌اند هر کدام ارزش و اسباب خاص خود را دارند.

سفرنامه میرزا علی حسین منقری اگر چه در حد سفرنامه‌های بزرگ نیست؛ اما برای مردی که در قصبه‌ای در روستاهای زندگی می‌کند؛ از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است.

او در مسیر حرکت خود به هر منزلی از منازل راه که می‌رسد؛ مطالبی اندک در مورد آن محل به دست می‌دهد. مثلاً خرید و فروش را انجام می‌شود و برخوردی که با صاحب خانه یا صاحب کاروان‌سرا دارد. اما در همین برخورد اندک و یا معامله و خرید کم، به خوبی قیمت‌ها را مطرح و ارزش پول خود را در آن زمان بیان می‌کند.

گاهی با شخصی برخورد می‌کند و با بیان موقعیت اجتماعی



آن شخص و جایگاه شغلی و اجتماعی و مردمی او را به خوبی نشان می‌دهد. یا زمانی که در مورد پیشرفت و موقعیت یک شهر یا یک مکان سخن می‌گویید، اگرچه بسیار کوتاه سخن گفته، اما آن چه را که لازم دانسته بیان داشته. «دستگاه و حیاط و عمارت عالی دارد که به وصف نمی‌آید؛ توصیف آن.»

گاهی در متن سفرنامه موضوعی را مطرح می‌کند که گویی مدتی به گونه‌ای است، اما در چند سطر بعد با توضیحی کوتاه، معما را حل می‌کند.

آوردن قیمت طلا و نقره و ریخته‌ها قلم جنس به وسیله او و دیگر زوآر برای خواننده امری، سخت‌آور و شگفت‌انگیز است.

در هنگام عزیمت به سوی مرز با اندک توصیفات که از شهرهای مسیر راه، مانند توصیف روستای «خان راهان، بیستون، کرمانشاه، کربند و هارون آباد» تا قصر شیرین و آتلی که به آن سوار شده‌اند؛ همه و همه خواندنی و قابل تأمل و اندیشه است.

توصیفات او از مرز ایران و حرکت به سوی بغداد و کاظمین و سامره و کربلا و نجف و بازرس‌ها و توصیف آن‌ها و اتفاقات پیش آمده، اگرچه بسیار مختصر اما ارزشمند است. توصیف مدارس ناظمین و خداد از ایرانی و عراقی بسیار زیباست.

نویسنده در سفرنامه مختصر خود گاه از ضرب‌المثلی فارسی یا عربی به خوبی استفاده می‌کند که بسیار بجا و به موقع است به طوری که درک موضوع را بسیار آسان می‌سازد؛ مثلاً تجربیاتی که

۱. هارون آباد در شهریور ۱۳۱۴ به موجب تصویب نامه هیأت وزیران به شاه آباد و پس از انقلاب اسلامی به اسلام‌آباد تغییر نام یافت.

در سفر به دست می‌آید و باعث پختگی انسان می‌شود از ضرب المثل
«کباب پخته نگردهد مگر به گردیدن» استفاده می‌کند و یا برای ارزش
رفیق خوب ضرب المثل «الرفیق ثم الطریق» را به کار می‌برد.

به هر حال در مورد نویسندگی و سفرنامه‌اش باید مطالبی را قبل از
خواندن کتاب توضیح دهیم تا هم نویسندگی را بشناسیم و هم انتظاراتی
را که از کتاب او داریم، در حد نویسندگی یک قرن پیش آن هم در قصه
که یکی مثل سنقر باشد.^۱

میرزا علی حسین سنقری حدوداً در سال ۱۲۶۹ خورشیدی از
مادری به نام «گلستان» در سنقر متولد شده و بعدها صاحب برادری
به نام عبدالحمید می‌شود پدرشان «خان محمد» مثل هر پدری که
دوست دارد فرزندان پیر و عرصت علمی و اقتصادی و جایگاه اجتماعی
خوبی داشته باشند؛ از هر طرف روئے مکتب‌خانه‌های قدیمی می‌کند.
میرزا علی حسین در مکتب‌خانه‌های قدیم درس می‌خواند و باسواد
می‌شود، سپس به قرآن و حدیث و فقه و تاریخ اسلام روی می‌آورد و
وارد کسوت روحانیت می‌گردد. در مورد زندگی او متأسفانه اطلاعات
وسعی وجود ندارد. جز موردی که در سنقرنامه «الدوله آمده و از
او به عنوان شخصیتی روحانی نام می‌برد که از ده نفر در علمای نجف،
اجازه اخذ وجوهات شرعی را داشته است و همچنین از حسی خوش
برخوردار بوده. میرزا علی حسین همان گونه که در سنقرنامه آمده
جزء ذاکرین خاندان پیامبر اکرم بوده و لقب «نظام‌الذاکرین» دارد و
این لقب را از آقایان حجج الاسلام آقای سید ابوالحسن و آقای سید
محمد از علمای بزرگ کربلا و نجف گرفته است.

۱. در قدیم به شهر کوچک یا آبادی بزرگی که از چند ده تشکیل شده باشد «قصبه» می‌گفتند.



میرزا علی حسین متأسفانه عمر طولانی ندارد و طبق نوشته سنقرنامه در سال ۱۳۴۶ قمری (۱۳۰۴ خورشیدی) که هنوز اداره ثبت احوال در سنقر تأسیس نشده و شناسنامه خاصی برای خود اخذ نکرده و در ۳۵ سالگی فوت کرده است.^۱ زیرا او طبق نوشته خود در سفرنامه عتبات عالیات در سال ۱۳۴۴ قمری، سی و سه ساله است پس و متولد ۱۳۱۱ قمری یعنی ۱۲۶۹ خورشیدی بوده و دو سال پس از سفر به عتبات عالیات به دیار باقی شتافته است.

تنها اثر باقی مانده تألیفی از میرزا علی حسین همین سفرنامه عتبات عالیات است که در سن ۳۳ سالگی، گویا در سال ۱۳۰۲ خورشیدی نوشته است. موضوع دیگری که در مورد میرزا علی حسین سنقری باید دانست؛ این است که او یک خوشنویس است. به طوری که برای اولین بار متن جامع آوری شده سنقرنامه یمن الدوله را در سه نسخه می نویسد؛ که نسخه های خطی ایشان متأسفانه به دست ما نرسیده است. ولی خط خوش او در سفرنامه، هر جا که با حوصله نوشته است کاملاً مشهود است.

اما در مورد سفرنامه نیز باید مواردی را تذکره ها را این سفرنامه تقریباً یک قرن پیش نوشته شده، درست در زمانی که پهلوی اول به پادشاهی رسیده است؛ لذا نثر این سفرنامه، رنگ و بوی نثر پادشاهی قاجاریه را دارد و لازم است قبل از خواندن سفرنامه، این موارد در نظر شود.

۱. ضمیر شخصی «او» که مخصوص انسان است، برای چهارپایان و اشیا نیز به کار برده شده است. «الحاصل بر او سوار شدم.»
- یا «او را تناول کردیم.»

۱. در مورد اجداد و خانواده او در سنقرنامه نوین توضیح داده ام.

۲. بعضی از واژه‌ها که امروز از نظر رسم الخطی و گویشی با گذشته متفاوت است در آن دیده می‌شود. طهران ← تهران، جعه ← جاده، نهار ← ناهار

۳. در برخی از موارد، متمم و متمم قیدی را پس از فعل آورده است. «قبل از این که سنوال کنم، خودشان اظهار فرمودند؛ به شرح مفصل.»

۴. به فراوانی جابه‌جایی نهاد در متن دیده می‌شود که آن را پس از فعل آورده است. «عمارت عالی دارد که به وصف می‌آید. بویف آن.»

۵. کاربرد «یا» اضافه به معنای «به، با، برای». «همه را مزاح می‌کرد.» یا «شب را شامی تهیه نشده.»

۶. گاهی علامت جمع «ها» را با صفت آورده که باید همراه با موصوف بیاید. «این بیچاره فلک‌زده‌ها.» به جای این بیچاره‌های فلک‌زده.

۷. گاهی جابه‌جایی قسمتی از فعل اتصال آن به ابتدای جمله. «اجابت دعوت را کردم.» به جای «دعوت را اجابت کردم.»

۸. گاهی از واژه‌ها و اصطلاحات بومی و منطقه‌ای استفاده کرده، مانند «یارو» به معنی شخص مورد نظر. یا واژه «رج» به معنی انسان آماده و تند و تیز

۹. از واژه «منزل» گاهی به معنی خانه و گاه به معنی زن و فرزند استفاده کرده که با توجه به متن معنی آن مشخص می‌شود.

۱۰. هرگاه که زبان جد کافی نیست؛ بسیار به جا و به موقع از زبان



طنز استفاده می‌کند. مثلاً وقتی که در مورد «اُتلی» که بر آن سوار شده و به طرف قصر شیرین در حرکت هستند و صاحب اتومبیل بسیار از آن تعریف کرده است، اما این تعریف‌ها نابه‌جا بوده می‌گوید: «این خر لنگ دوباره به راه افتاد ولی در بین راه هر ربع ساعتی، یک مرتبه نعل‌بندی می‌شود.» با زمانی که از زیادی آب در آبگوشت کاسه متعلق به خودش سخن می‌گوید: «ماشاءالله یک دریاچه ساوه است.»

۱۱. حرف را در «ولی» را در جای جای این متن مشاهده می‌کنید که باید در آن زمان مرسوم بوده است که من نیز به خاطر حفظ سبک و سادگی آن را حفظ کرده‌ام.

۱۲. واحدهای پولی مرسوم آن زمان مانند «سنار، عباسی، قران، آنه، روییه و لییره» را به فروانی در متن آورده است که سه مورد «آنه، روییه و لییره» مربوط به کربلا و نجف و کاظمین است که در پایان کتاب و گاه در بوقیه مقایسه آن‌ها را با پول ایران آورده‌ام و توضیح داده‌ام.

۱۳. برخی از واژه‌ها را با توجه به رسم الخط فارسی اصلاح کرده‌ام از جمله:

بلیط ← بلیت، استیفا ← استعفا، واگون ← واگن، آجر ←

آجر و ...

۱۴. بیان هزینه‌ها از قبیل کرایه چهارپا و اتومبیل و مواد مصرفی بسیار خواندنی و تأمل‌برانگیز است و قابل مقایسه برای افرادی که در زمینه اقتصاد این‌گونه آمار و ارقام را مورد بررسی قرار

می‌دهند. مثلاً «مخارجی که آقای مشهدی مرتضی قلی از خرید زیره، زرشک، فلفل، لیمو، هل، جوهر لیمو، نمک، قند، چای، روغن، مرغ، زغال، برنج، پنیر و کرایه بیستون و میان راهان که جمعاً هفت تومان شده است.» واقعاً قابل تأمل و تفکر است.

۱۵. آمار و ارقام نویسنده از دانش‌آموزان و مدارس کاظمین و بغداد در مقایسه با مدارس آن سال‌ها بسیار ارزشمند است. ناظر به این چهار مدرسه دارد. یک مدرسه اخوت ایرانیان که نام و آمار و سایر هم ایرانی هستند. شاگردان هم کلاً هم ایرانی ... ولی بغداد به کل و هشت مدرسه دارد، مدرسه ایرانی در بغداد خیالاً مفلح است. بغداد هجده مدرسه نسوان^۱ دارد اما در کاظمین یک مدرسه نسوان دایر است. «باید توجه داشته باشیم که بیان این آمار مربوط به زمانی است که پایان حکومت قاجاریه و ابتدای حکومت پهلوی است و تعداد مدارس دخترانه و پسرانه در تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران در آن زمان.

۱۶. فقط یک مورد یا یک موضوع در متن این سفرنامه برای بنده مشخص نشد و آن این که واژه «دسته» را در هنگام بیان ساعت یا زمان یک موضوع به فراوانی به کار برده است و مشخص نیست که منظور از «دسته» چیست. «مثلاً «ساعت، سه از دسته گذشته.» یا «چهار به دسته مانده» یا «یک و نیم به دسته و به اذان صبح» واقعاً نتوانستم درک کنم که

۱. نسوان: بانوان، منظور مدارس دخترانه است



منظور از دسته، رسیدن، عقربه دقیقه‌شمار به روی ساعت دوازده است یا چیز دیگر. به نظرم این گونه باشد؛ اما به‌طور کامل مطمئن نیستیم.

۱۷. در داخل متن بعضی از جاها را خط کسری طولانی کشیده‌ام که بیش‌تر در ابتدا و انتهای کتاب است. و این بدان معنی است که این قسمت‌ها کاملاً محو و یا پاره شده و خواننده نشده است.

۱۸. با هر جنسی و هشت نفر از سه محله قصبه سنقر؛ محله چهار بلاغی سه زده نفر (هشت مرد و پنج زن) محله سر جقا، ده نفر (شش مرد و دو زن، یک بچه و جنازه یک مرد به نام کربلایی چراغلی معروف به پیغمبر) و از محله پیره، نه نفر (هفت مرد و دو زن) و پنج نفر خانواده میرزا علی حسین (خودش، دو خواهر و پدر، مادر) و یک جوان دیگر اهل سنقر هم که در بیستون به آن‌ها می‌یونست. این افراد از سنقر به سوی عتبات عالیات در حرکت هستند. همه سختی‌های راه را تحمل می‌کنند تا به مقصد می‌رسند و لذت زیارت را با دل و جان می‌چشند و پس از چند ماه به وطن خود ایران و سپس به سنقر برمی‌گردند و این سفر را روحانی و چاووش کاروان در بغداد و کاظمین و سامره و کربلا و نجف و مقداری از آن را در سنقر، پس از بازگشت از سفر می‌نویسد او تجربیات خود را همراه با بیان بسیاری از مسایل جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی بیان کرده است. این سفرنامه پس از گذشت نزدیک به یک قرن توسط اینجانب تصحیح

و نشر می‌شود. امیدوارم عزیزانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند دعای خیر خود را نثار روح نویسنده کنند و از خدای بزرگ برای ایشان طلب عفو و بخشش و برای این بنده طلب خیر نمایند.

سخن دیگر این که اگر در این کار هر گونه کاستی مشاهده شد بر من بخشایند و آن‌ها را از طریق ایمیل به اینجانب اطلاع دهند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

والسلام. من الله توفیق.

تهران علی اصغر ایزدی

۱۳۹۴/۲/۲ خورشیدی